**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری**

جلسه76 – 14/ 12/ 1396 **شبهه غیر محصوره /قاعده احتیاط**

خلاصه :

شهید صدر; بیان کرد: مشکل اصلی در جریان اصول در شبهات محصوره ارتکاز مناقضه است که چنین ارتکازی در شبهات غیر محصوره وجود ندارد. ایشان روایت ابو الجارود را به عنوان مؤید و دلیل بر نبود ارتکاز مناقضه دانسته هر چند روایت را تضعیف کردند. در جلسات گذشته وجوه تضعیف ابو الجارود بررسی شد و بیان شد: تضعیفات ابو الجارود در کتب عامه به علت متن شناسی بوده و روایات مضعّفه او تنها به میزان باطل بودن مذهب او دلالت دارد. درباره قرائن توثیق، اکثار محمد بن سنان از او مورد تردید قرار گرفت اما اکثار مجموعی اجلا مورد پذیرش بود. بیان شد: وقوع در اسناد کامل الزیارات نمی­تواند مثبت وثاقت او باشد زیرا شهادت ابن قولویه تنها بر جامع نگاری در محدوده­ای خاص بوده و شهادت به انحصار روایات کتاب خویش در روایات ثقات نداده است.

در این جا بیشتر درباره مقدمه کامل الزیارات تو ضیح داده و مقداری در وجه دیگر توثیق او در لسان مرحوم خویی که وقوع در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم است، سخن خواهیم گفت.

**مفاد کلام ابن قولویه در مقدمه کامل الزیارات**

ابن قولویه در مقدمه کامل الزیارات می­نویسد**: و قد علمنا أنا لا نحیط بجمیع ما روی عنهم فی هذا المعنی و لا فی غیره لکن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته**[[1]](#footnote-1) در جلسه گذشته بیان شد، روشن نیست این عبارت بدین معنا باشد که تمام راویان واقع در کامل الزیارات ثقه هستند بلکه ظاهر آن این است که در مقام بیان محدوده استقصاء خویش است و این که اصرار بر نقل روایات ثقه دارد هر چند تمام روایات کتاب از ثقات نیست.

**بررسی احتمال صحیح نگاری به علت عدم قدرت بر جامع نگاری**

امکان دارد در پاسخ گفته شود: این معنا را نیز می­توان استظهار کرد که چون جامع نگاری مقدور نیست، در کتاب کامل الزیارات به دنبال صحیح نگاری برویم که این بر خلاف جامع نگاری ممکن و مقدور است. پس ابن قولویه در مقام توثیق راویان کامل الزیارات است.

اما این مطلب صحیح نیست زیرا نهایتاً این نیز احتمالی در مقابل احتمال اول بوده و نمی­توان آن را استظهار کرد. احتمال بیان محدوده استقصاء احتمالی کاملا جدی است و نمی­توان این احتمال را نفی کرد که ایشان به علت عدم امکان جامع نگاری کامل، جامع نگاری در محدوده­ای خاص را پی گرفته است. حال با احتمال بیان محدوده جامع نگاری، دیگر نمی­توان به این کلام بر وثاقت راویان کامل الزیارات استدلال کرد.

باید دقت داشت که مصنّفی که به دنبال جامع نگاری است و جامع نگاری کامل برای او مقدور نیست، با بیان محدوده­ای خاص برای جامع نگاری خویش، به دنبال نفی نقل روایت خارج از محدوده بیان شده نیست. بلکه چون هدف او اصلی او جامع نگاری کامل بوده و به علت عدم احاطه هدف را تغییر داده، اگر روایتی خارج این محدوده را بیابد، قهرا در کتاب خویش نقل خواهد کرد. پس کسی که

هدف اصلی او جامع نگاری کامل بوده و به علت عدم قدرت از آن دست کشیده، به طور طبیعی روایاتی را که بدون فحص و جستجو به دستش رسیده، نقل خواهد کرد. در نتیجه طبیعت مسأله این است که ابن قولویه،

روایات ثقات را استقصا کند و هر چند روایات غیر ثقات را استقصا نمی­کند اما با دست یابی به روایات غیر ثقات، آن را نقل خواهد کرد.

**بررسی احتمال توثیق صاحبان مصادر کامل الزیارات**

بیان بالا درباره مفاد کلام ابن قولویه در مقدمه، مطابق بحثی بود که در جلسه فقه بیان کردیم. اما در جلسات رجال به نحوی دیگر، کلام ابن قولویه را معنا نمودیم. در آنجا بیان کردیم: عبارت **و قد علمنا أنا لا نحیط بجمیع ما روی عنهم فی هذا المعنی و لا فی غیره لکن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته** می­تواند ناظر به توثیق مشایخ مستقیم ابن قولویه در کامل الزیارات بوده و می­تواند ناظر به توثیق صاحبان مصادر کامل الزیارات باشد. در توضیح احتمال دوم باید گفت: نویسندگان کتاب مانند شیخ صدوق، در تألیف خویش منابع مکتوبی دارند که به آنها برای تصنیف کتاب خویش رجوع می­کنند. این منابع مکتوب می­تواند از طریق ثقات به شیخ صدوق رسیده باشد و می­تواند از طریق ثقات در اختیار او قرار گرفته باشد. حال می­تواند مراد ابن قولویه این باشد که صاحب مصدری که به آن رجوع کرده­ام، ثقه و مورد اعتماد است و حتی می­توان طریق به کتاب را نیز در نظر گرفت و گفت: شیخی که کتاب از طریق او به من رسیده، ثقه و مورد اعتماد است. توثیق صاحب مصادر با توجه به دو نکته بعید نیست:

1. در زمان ابن قولویه غالب روایات از طریق کتب نقل می­شده و نقل شفاهی بسیار نادر بوده است.

2. برای کتاب مصدر، طریقی بیان می­شده که در غالب موارد این طریق تشریفاتی بوده و حتی در فرض تشریفاتی بودن، به تعبیر حدثنی یا به نحو منعن از کتاب نقل می­کرده اند. مثلاً اگر روایتی در کتاب ابن ابی عمیر بوده و او به ابراهیم بن هاشم و او به کلینی و او به ابن قولویه، اجازه داده باشند، ابن قولویه می­تواند در نقل روایت از کتاب ابن ابی عمیر بگوید: حدّثنی محمد بن یعقوب قال حدّثنی علی بن ابراهیم قال حدّثنی ابی قال حدّثنی ابن ابی عمیر یا به نحو منعن از ابن ابی عمیر نقل روایت کند.

با توجه به این دو نکته، صاحبان کتبی مانند ابن ابی عمیر نقش اصلی در نقل روایت دارند و شیخ مستقیم ابن قولویه نقشی ظاهری در نقل حدیث دارد. حال اگر **ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته** ناظر به طریق ظاهری باشد، توثیق مشایخ مستقیم است و اگر ناظر به واقع قضیه باشد، مراد صاحب کتاب است. هر چند در گذشته بیان کردیم: عبارت ابن قولویه ناظر به هر دو بوده و هم شیخ مستقیم و هم صاحب کتاب را توثیق می­کند، اما به نظر می­رسد اگر عبارت ابن قولویه را در مقام توثیق بدانیم، مشکل است عبارت او ناظر به هر دو طریق واقعی و طریق ظاهری باشد.

بله اگر مانند مرحوم خویی عبارت را ناظر به توثیق تمام راویان کتاب بدانیم، این مشکل وجود ندارد اما چون توثیق تمام مشایخ، به علت وجود زیاد مرسلات، مجهولات و روایات راویان مسلم الضعف در کامل الزیارات، صحیح نیست، باید ناظر به شخصی باشد که روایت مستقیماً از او به ابن قولویه رسیده و این شخص یا شیخ بلاواسطه­ای است که به ابن قولویه اجازه داده یا صاحب کتابی است که ابن قولویه روایت را از کتاب او اخذ کرده است. اما این سخنان مبتنی بر در مقام توثیق بودن ابن قولویه است که بیان شد این اصل موضوع صحیح نبوده و می­توان گفت: ابن قولویه در مقام بیان محدوده جامع نگاری و استقصاء خویش است نه در مقام توثیق راویان.

اما با توجه به این که توثیق صاحبان مصادر امری رایج بوده و در مقدمه کتبی مانند فقیه و بحار اتفاق افتاده، کلام ابن قولویه نیز می­تواند ناظر به توثیق صاحبان مصادر باشد که در این صورت می­توان با منبع یابی کتاب کامل الزیارات، این راویان را توثیق کرد. هر چند بیشتر صاحبان مصادر کامل الزیارات، از روات مشهور و

مسلّم الوثاقه هستند اما در این بین افرادی مانند عبد الله بن عبد الرحمن بن الاصم صاحب کتابی در مزار که توسط نجاشی[[2]](#footnote-2) و ابن غضائری[[3]](#footnote-3) تضعیف شده و از صاحبان مصادر کامل الزیارات است، توثیق می­گردد.

اما همانگونه که بیان شد، به نظر ما ابن قولویه در مقام بیان محدوده استقصاء خویش است نه در مقام توثیق و تنها بیان می­کند که بنای بر استقصای روایات ثقات را دارم نه آنکه تمام روایات موجو در کامل الزیارات از ثقات است. بله اگر به قرائنی اثبات کنیم، ابن قولویه روایت راوی خاصی را از لابلای کتب دیگر استقصاء کرده و تمام روایات او را درباره مزار نقل کرده است، می­توان وثاقت این راوی را با توجه به مقدمه کامل الزیارات اثبات کرد. اما استقصای تمام روایات یک راوی، قابل اثبات نیست. با این بیان روشن شد، مطابق مبنای اخیر ما حتی نمی­توان افرادی مانند عبد الله بن عبد الرحمن بن الاصم را با شهادت ابن قولویه توثیق کرد زیرا هر چند ابن قولویه تقریبا تمام روایات او را در کامل الزیارات وارد کرده اما چون او کتاب مزاری داشته و اخذ روایات از کتاب او نیازمند استقصاء نبوده است، نمی­توان نقل روایات او را از مواردی دانست که ابن قولویه در مقام استقصای آنها بوده است.

امکان دارد به همان بیانی که برخی برای اثبات وثاقت تمام راویان کامل الزیارات تمسک جسته­اند، برای نفی در مقام توثیق بودن صاحبان مصادر تمسک کرد. گفته شده: اگر ابن قولویه در مقام اعتبار بخشی به کتاب خویش باشد، بین کل سلسله سند و برخی از افراد آن تفاوتی وجود ندارد و اگر برخی را توثیق کرده به قرینه در مقام اعتبار بخشی بودن، تمام سلسله را توثیق کرده است. می توان با ادامه دادن همین بیان گفت: و چون روشن است ابن قولویه تمام سلسله سند را در نظر نگرفته، پس اساساً در مقام بیان اعتبار کتاب خویش نیست زیرا تفاوتی بین کل سلسله سند و برخی از افراد آن در اعتبار بخشی وجود ندارد.

خلاصه آنکه نمی­توان به علت وقوع ابو الجارود در اسناد کامل الزیارات او را توثیق کرد زیرا اولا: ابن قولویه در مقام توثیق راویان کامل الزیارات نیست و ثانیاً : اگر در مقام توثیق باشد، تنها صاحبان مصادر را توثیق می­کند و چون روایات ابو الجارود در کامل الزیارات کم است، نمی­توان استظهار کرد کتاب او را یکی از مصادر کامل الزیارات بوده است.

**بررسی توثیق ابو الجارود با وقوع در اسناد تفسیر قمی**

مرحوم خویی علاوه بر وقوع در اسناد کامل الزیارات، دو راه دیگر ورود در رساله عددیه شیخ مفید و اسناد تفسیر علی بن ابراهیم را دالّ بر توثیق ابو الجارود دانسته است که به علت شباهت بحث تفسیر علی بن ابراهیم با کامل الزیارت در جلسه امروز این وجه را مورد بررسی قرار می­دهیم.

در مقدمه تفسیر علی بن ابراهیم آمده است: **و نحن ذاکرون و مخبرون بما ینتهی إلینا و رواه مشایخنا و ثقاتنا عن الذین فرض الله طاعتهم**‏[[4]](#footnote-4) برخی از این تعبیر استظهار کرده اند که تمام راویان اسناد تفسیر علی بن ابراهیم ثقه هستند که به نظر ما شبیه بحث­های موجود در کامل الزیارات در اینجا نیز وجود دارد و مایه تعجب است که مرحوم خویی از مبنای کامل الزیارات بازگشته اما از مبنای توثیق راویان تفسیر علی بن ابراهیم عدول نکرده است در حالی که نکات موحود در هر دو واحد است.

یکی از مشکلات موجود در تفسیر علی بن ابراهیم که با کامل الزیارات متحد است، وجود زیاد روایات مرسل و راویان تضعیف شده در اسناد آن است. حال آیا مراد علی بن ابراهیم راویان بدون واسطه است یا صاحبان

مصادر یا هر دو، سه احتمال وجود دارد که اگر مراد توثیق صاحبان مصادر یا هر دو باشد، می­توان ابو الجارود را به علت این که صاحب یکی از مصادر تفسیر علی بن ابراهیم است، توثیق نمود.

اما به علت وجود مشکلاتی در تفسیر علی بن ابراهیم نمی­توان با تمسک به مقدمه حتی صاحبان مصادر را توثیق کرد. مرحوم آقا شیخ بزرگ تهرانی برای اولین بار مطرح کردند که همه تفسیر موجود متعلق به علی بن ابراهیم نبوده و تفاسیر زیادی مانند تفسیر ابو الجارود به تفسیر علی بن ابراهیم افزوده شده است. ایشان بیان می­کند: یکی از روات کتاب تفسیر علی بن ابراهیم، ابو الفضل علوی است و او این کتب دیگر را به کتاب علی بن ابراهیم افزوده است.

حاج آقای والد اصل این مطلب که همه منقولات این تفسیر از علی بن ابراهیم نیست را تصدیق فرموده­اند ولی می­فرمایند اساساً این تفسیر متعلق به علی بن ابراهیم نبوده و کتاب دیگری بوده که به احتمال زیاد متعلق به علی بن حاتم قزوینی است هر چند مصدر اصلی کتاب علی بن حاتم قزوینی تفسیر علی بن ابراهیم می­باشد. به عبارتی دیگر بین تفسیر علی بن ابراهیم و تفسیر موجود عموم و خصوص من وجه برقرار بوده ولی ظاهراً اکثریت کتاب موجود متعلق به علی بن ابراهیم است. تفصیل این بحث در مقاله­ای که در دانشنامه جهان اسلام به چاپ رسانده ام، بیان شده و وارد بحث تفصیلی از آن نمی­شویم.

امروز تنها به این نکته اشاره می­کنیم که عبارت مقدمه از دو حال خارج نیست؛

یا متعلق به علی بن ابراهیم و از منقولات علی بن حاتم از اوست که در این صورت، نمی­توان ابو الجارود را با توجه به آن توثیق کرد زیرا روایات ابو الجارود از افزوده­های به کتاب بوده و از کتاب علی بن ابراهیم نیست. همانگونه که در جایگاه خویش بیان کرده­ایم، به وضوح روایات علی بن ابراهیم و سایر کتب قابل تفکیک است و چون در محدوده روایات علی بن ابراهیم، ابو الجارود یا روایت نداشته یا بسیار محدود است و نمی­توان او را از صاحبان مصادر تفسیر علی بن ابراهیم دانست. هر چند در محدوده روایات دیگر او از صاحبان مصادر باشد.

یا عبارت مقدمه متعلق به علی بن حاتم قزوینی است که باز نمی­توان ابو الجارود و حتی صاحبان مصادر این کتاب را توثیق کرد زیرا در ترجمه علی بن حاتم قزوینی بیان شده: **ثقة من أصحابنا فی نفسه یروی عن الضعفاء سمع فأکثر**[[5]](#footnote-5) علت اکثار روایت از ضعفا یا ساده­گیری و مقید نبودن بوده و یا به علت ساده لوحی است. اگر علت اکثار مقید نبودن باشد و حتی با علم به ضعف راوی از او اخذ روایت می کرده است، در این صورت می­توان شهادت به اخذ از ثقات را از او پذیرفت و گفت در این مورد خاص، رویه معمول خود را کنار گذاشته است هر چند اکثار او فی نفسه موجب توثیق مروی عنه نمی­شد. اما مطابق احتمال دوم که بازگشت به ضابط نبودن دارد، نمی­توان به شهادت او به اخذ از ثقات اعتماد کرد زیرا او حتی در صورت نقل از ضعیفانی که به علت ساده لوحی آنان را ثقه می­داند، به وعده خویش عمل کرده است. حال چون دو احتمال در یروی عن الضعفا وجود دارد، نمی­توان به شهادت علی بن حاتم در مقدمه کتاب و توثیق او اعتماد کرد. به عبارتی دیگر، غالب آن است که افراد از ثقات نکرده و غالب آن است که افراد ضعف نداشته باشند، حال با توجه به علم اجمالی به وقوع یکی از دو خلاف ظاهر، ضبط راوی ثابت نشده و نمی توان به توثیقات او اخذ کرد.

خلاصه آنکه، علاوه بر مشکلات موجود در اخذ به شهادت ابن قولویه در مقدمه کامل الزیارات، مشکل خاصی در مقدمه تفسیر علی بن ابراهیم وجود دارد که این مقدمه متعلق به کیست؟ اگر متعلق به علی بن ابراهیم

باشد هر چند بتوان صاحبان مصادر تفسیر علی بن ابراهیم را با آن توثیق کرد اما ابو الجارود از صاحبان مصادر تفسیر علی بن ابراهیم نبوده و از ملحقات به کتاب اوست. و اگر متعلق به علی بن حاتم باشد به علت یروی عن الضعفا بودن علی بن حاتم و احتمال ساده گیر بودن یا ساده لوح بودن او در نقل از ضعیفان، توثیق او در مقدمه اعتبار نداد.

در جلسه آینده درباره رساله عددیه شیخ مفید که حاچ آقای والد در بحث صوم بحث کرده و اخیرا در درس خارج اصول نیز بدان اشاره کرده اند، سخن خواهیم گفت.

**و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین**

محققین گرامی می توانند همه روزه دروس استاد (حفظه الله) را در کانال های ذیل پیگیری نمایند.

(فقه) https://telegram.me/mjshobeiri

(اصول الفقه) https://telegram.me/mjshobeiri2

محقق گرامی؛ شما می­توانید انتقادات و پیشنهادات خود را نسبت به دروس روزانه، با شماره 09123519358 در میان بگذارید.

1. کامل الزیارات، ابن قولویه القمی، ج، ص4. [↑](#footnote-ref-1)
2. رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج، ص217. [↑](#footnote-ref-2)
3. رجال ابن‏الغضائري ج : 1 ص : 76 [↑](#footnote-ref-3)
4. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، ج1، ص4. [↑](#footnote-ref-4)
5. رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج، ص263. [↑](#footnote-ref-5)